

نشریه پویش در آموزش علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان
شماره ۲۱ / زمستان ۱۳۹۹

بررسی اثربخشی قصه گویی بر رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان دوره دوم ابتدایی^۱

حسین حسن زاده ویائی^۲

سمیه نوایی^۳

چکیده

پژوهش حاضر، از نوع شبه آزمایشی، همراه با پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل است که با هدف بررسی اثربخشی قصه گویی بر رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان پسر دوره دوم ابتدایی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان پسر دوره دوم ابتدایی آموزشگاه گلستان بود. نمونه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانش آموزان پسر پایه ششم دوره ابتدایی آموزشگاه گلستان بود که ۶۰ نفر از آنها، با استفاده از نمونه گیری هدفمند انتخاب و به صورت تصادفی ۳۰ نفر در گروه آزمایش و ۳۰ نفر در گروه کنترل جایگزین شدند. گروه آزمایش به مدت یک ماه و نیم، طی ۱۲ جلسه ی ۳۰ دقیقه ای، تحت آموزش مهارت های اجتماعی با روش قصه گویی قرار گرفت. داده ها پس از اتمام جلسات، بوسیله پرسشنامه محقق ساخته با مقیاس لیکرت، به صورت سه گزینه ای « هرگز، بعضی اوقات و اغلب اوقات» جمع آوری گردید و با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که آموزش مهارت های اجتماعی از طریق قصه گویی باعث بهبود مهارت های اجتماعی، خودتنظیمی و ارتباط موثر در دانش آموزان می گردد.

واژگان کلیدی: قصه گویی، مهارت اجتماعی، دوره ابتدایی، پیش آزمون، پس آزمون، نمونه گیری هدفمند

۱- تأیید نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۹/۱۸

۲- آموزگار، پرورش شهرستانهای استان تهران، ایران (نویسنده مسئول)
hasanzadeh_hosein@yahoo.com

۳- آموزگار، اداره آموزش و پرورش شهرستان بهارستان دو، تهران، ایران

۱- مقدمه

در عصر حاضر، با توجه به تغییرات روزافزون و تحولات عظیمی که در عرصه های گوناگون فرهنگی، اقتصادی، فناوری، اجتماعی و... در جوامع بشری بوجود آمده است، کسب توانایی ها و مهارت های لازم برای رویارویی با تحولات شگفت انگیز هزاره سوم میلادی و ورود افراد به اجتماع و جامعه پذیری آنان از اهمیت بسزایی برخوردار گردیده است، تا بتوانند در موقعیت های پیچیده زندگی، تصمیم گیری مناسب، ارتباط موثر و همکاری با دیگر افراد برقرار کنند. بهمین دلیل مساله اجتماعی شدن و توانایی تعامل با دیگران به شیوه ای شایسته و ثمر بخش در همه مراحل زندگی به ویژه در دوران کودکی از اهمیت بسیاری برخوردار است و می تواند از خطراتی که کودک در زندگی روزمره با آن ها مواجه است، جلوگیری کند. هم چنین رشد و پرورش مهارت های اجتماعی تاثیر زیادی بر شخصیت کودک می گذارد. رشد اجتماعی سالم کودک، مستلزم رشد طبیعی و سالم شخصیت و فراگیری مهارت های پایه اجتماعی شدن است (لطف آبادی، ۱۳۷۹). در جریان انطباق و اجتماعی شدن، پاره ای از محدودیت ها بر ارگانسیم آدمی متحمل می شود. اگر تحمیلات زندگی اجتماعی و روابط انسانی، شدید یا ناگهانی باشد، بیم آن میرود که ارگانسیم آدمی، از روال طبیعی خود خارج گشته و دست خوش اختلال رفتاری گردد که یکی از شایع ترین مسایل دوران کودکی می باشد و رابطه بین کودک و محیط را خدشه دار می سازد و برای فرد و دیگران، مزاحمت ایجاد می کند و زندگی عادی آنان را مختل می گرداند.

الیوت و گرشام^۱ (۲۰۰۳)، به عنوان دو نظریه پرداز و محقق برجسته در زمینه مهارت های اجتماعی، مهارت های اجتماعی را رفتارهای اکتسابی جامعه پسندی تعریف می کنند که فرد را قادر می سازند تا آن گونه با دیگران در تعامل باشد که واکنش های مثبت آنان را فرا خوانده و از واکنش های منفی آنها اجتناب ورزد (الیوت و گرشام، ۲۰۰۳). برخی دیگر از جمله واتسون و اسکینر (۱۹۹۰)، مهارت های اجتماعی را مجموعه ای از توانایی ها می دانند که روابط اجتماعی مثبت و مفید را آغاز و حفظ نماید، دوستی و صمیمیت را با هم سالان گسترش دهد، سازگاری رضایت بخشی را در مدرسه ایجاد کند، به افراد اجازه دهد که خود را با شرایط وفق دهند و تقاضاهای محیط اجتماعی را بپذیرند (نادری و همکاران، ۱۳۸۶). اسلاموسکی و دان^۲ (۱۹۹۶)، نیز مهارت های اجتماعی را فرآیندی می دانند که کودکان را قادر می سازد تا رفتار دیگران را درک و پیش بینی کنند، رفتار خود را گواه نمایند و تعاملات اجتماعی خود را تنظیم نمایند. و در نهایت لطف آبادی (۱۳۹۳)، مهارت های اجتماعی را استعدادی می داند که سبب بروز رفتارهایی می شود که به صورت مثبت یا منفی تقویت می شوند. به طور کلی مهارت های اجتماعی به آن دسته از مهارت هایی گفته می شود که ما در تعاملات میان فردی خود به کار می بریم. لذا از طریق ارتباط با دیگران و ارتباطات اجتماعی است که می توانیم با دیگران تعامل داشته و رفتارها، مهارت ها و توانایی های لازم برای زندگی را بیاموزیم (لطف آبادی، ۱۳۹۳: ۳۷).

به همین جهت برای رویارویی با تحولات و چالش های موجود، باید آموزش مهارت های اجتماعی به منظور تصمیم گیری مناسب، برقراری ارتباط و تعادل داشتن در جامعه بهبود یابد. زیرا فرد را قادر می سازد تا در تعامل با دیگران در شرایط گوناگون، عملکرد موثری داشته باشد و در دراز مدت تاثیر معناداری بر کارکرد روان شناختی، تحصیلی و سازشی کودکان دارد. کودکانی که از مهارت های اجتماعی برخوردار هستند، اجتماعی تر بوده، مشارکت پذیری، اعتماد به نفس و نوع دوستی بیشتری دارند، کمتر تنها می مانند و دوستان بیشتری دارند. روشن است که این مسئولیت سنگین برعهده مراکز آموزشی از جمله آموزش و پرورش است. زیرا مدارس،

نهادهای اجتماعی هستند که در جهت جامعه پذیر کردن کودکان و آموزش مهارت ها نقش موثری را ایفا می کنند و باید از دوره ابتدایی که در واقع سنگ زیر بنای نظام آموزشی بشمار می آید این مهارت ها در مدارس آموزش داده شود تا کودکان در مراحل بالاتر با عدم پذیرش اجتماعی و عدم کنترل هیجانات مواجه نشوند و یادگیری مفید، سودمند و مادام العمر را به همراه داشته باشد. گرچه تاثیر نسبی آموزش مستقیم مهارت های اجتماعی در چند مطالعه نشان داده شده است. ولی پژوهشگران عدم تعمیم پذیری مهارت های آموخته شده به محیط طبیعی را، بزرگترین مشکل آموزش سنتی مهارت های اجتماعی می دانند. و بر این باورند که کودکان در مهارت های اجتماعی مشکلات عدیده ای دارند و یادگیری آنها از طریق ادراک دیداری بهتر صورت می گیرد و در این شیوه، آموزش یک مهارت تنها در صورت دستورالعمل مستقیم درباره نحوه عمل در یک موقعیت خاص است و انعطاف پذیری لازم برای بکارگیری آن مهارت در موقعیت های جدید وجود ندارد (تویسرکانی، ۱۳۸۶).

بر این اساس آموزش مهارت های اجتماعی بصورت سنتی و به تنهایی کارساز نیست و باید روش ها و شیوه های متنوعی در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد تا درک مهارت های اجتماعی برای کودکان ملموس تر و عینی تر صورت گیرد. زیرا کودکان ابتدایی، از قدرت انتزاعی بسیار پایینی برخوردارند، ولی ادراک دیداری شان بسیار قوی تر است و خیلی از مسایل را به صورت دیداری یاد می گیرند و بهتر است که از وسایل عینی و ملموس در کلاسهای درس بیشتر بهره گرفته شود. از آنجایی که، آموزش مهارت های اجتماعی به کودکان، از غنای آموزشی و پرورشی هر جامعه محسوب می شود و با آموزش مهارت های اجتماعی به کودکان، آن ها به هویت اجتماعی خود پی می برند، و در زندگی اجتماعی با تغییرات گوناگون به طور موثرتری مواجه می شوند و مشکلات زندگی خود را حل می کنند. بر همین اساس بکارگیری شیوه های موثر و متنوع و غیرمستقیم در آموزش مهارت های اجتماعی یک ضرورت به حساب می آید.

امروزه در میان شیوه های آموزش که فعال سازی و درگیر کردن فراگیران در آن ها یکی از اصول کار است، قصه گویی، نقش و جایگاه ویژه ای دارد. قصه گویی یک روش انعطاف پذیر است، شیوه ای است که می تواند برای گروه های مختلف و افراد با خصوصیات متفاوت بکار گرفته شود. منظور از قصه گویی، ارتباط دوجانبه و متقابل بین قصه گو و شنونده است که قصه گو با بهره گیری از فنون قصه گویی و با تحریک قوه تخیل مخاطبان خویش و تاثیر متقابل، پیام خود را به شکل جدیدتری به شنوندگان انتقال می دهد. قصه گویی، نوعی روایت خواندنی یا شنیدنی است که در آن چگونگی روند تعامل و کنش مندی یک شخصیت با موضوعی براساس هدف، تحلیل، دیدگاه و نتیجه ی مورد نظر نویسنده یا قصه گو بیان می شود (همتی، ۱۳۸۹). و از آنجایی که آموزه ها و پندها در خلال قصه ها بخوبی برای کودک قابل فهم و معنادار می شود، احتمال بکارگیری و تعمیم آن ها توسط کودک در زمینه های مشابه افزایش می یابد. قصه های اجتماعی یک نمونه ی توصیفی از موقعیت های اجتماعی روزانه است که از دیدگاه کودک نوشته می شود و می تواند در موقعیت های مختلف استفاده شود.

پژوهش های مختلفی که در این زمینه صورت گرفته است، اثربخشی قصه های اجتماعی را در کاهش مشکلات رفتاری و افزایش مهارت های اجتماعی در کودکان را نشان می دهد. در تحقیقی که توسط تیموری (۱۳۹۵)، پیرامون تاثیر قصه درمانی همراه با ایفای نقش بر مهارت های اجتماعی کودکان صورت گرفته است، استفاده از روش قصه گویی همراه با ایفای نقش توانسته است، مهارت اجتماعی در کودکان را افزایش دهد. در تحقیقی که توسط دمیرچی و قاضی (۱۳۸۶)، پیرامون بررسی اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی- هیجانی بر تنظیم شناختی هیجان و مهارت های اجتماعی کودکان انجام گرفت. افزایش چشم گیری در یادگیری این دانش آموزان مشاهده گردید. در تحقیقی که توسط رحمتی (۱۳۹۵)، پیرامون موضوع بررسی اثر

بخشی قصه درمانی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان دوره ابتدایی شهر تهران منطقه ۷ صورت گرفته است. رابطه معناداری بین قصه درمانی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان وجود دارد. هم چنین در تحقیقی نیز که توسط نیک منش و کاظمی (۱۳۸۸)، با عنوان تاثیر الگوی آموزش خوش بینی به روش قصه گویی بر سبک اسناد کودکان انجام داده اند، نتایج نشان داد که الگوی آموزش خوش بینی به روش قصه گویی باعث تغییر سبک اسناد بدبینانه به خوش بینانه در کودکان ابتدایی شده است.

علاوه بر این، تحقیقاتی که توسط وون^۱ و همکاران (۲۰۱۵)، تیزست^۲ (۲۰۱۳)، میلر^۳ (۱۹۹۷)، صباغیان (۱۳۸۶) و رحمان دوست (۱۳۸۱)، انجام شده است، همگی بیانگر تاثیر قصه بر متغیرهای مختلف در رشد و سلامتی در دانش آموزان به لحاظ روانی، عاطفی، اجتماعی و شناختی می باشد و نشان داد که آموزش مبتنی بر قصه گویی در کودکان به طور معنا داری منجر به بهبود کیفیت یادگیری شده است. و با کمک گرفتن از روش قصه گویی می توان تغییرات شگرفی در زمینه یادگیری، سوادآموزی و رشد مهارت های اجتماعی ایجاد کرد.

بنابراین در پژوهش حاضر، سعی شده است که اثربخشی قصه گویی بر رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان دوره ابتدایی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و به این سوال پاسخ داده شود که روش قصه گویی چه تاثیری بر رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان ابتدایی دارد؟

۱- اروش کار

پژوهش حاضر از نوع شبه آزمایشی، به همراه طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه دانش آموزان پسر دوره دوم ابتدایی آموزشگاه گلستان و نمونه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان پسر پایه ششم دوره ابتدایی آموزشگاه گلستان بود که ۶۰ نفر از آن ها، از طریق نمونه گیری هدفمند انتخاب و بصورت تصادفی در دو گروه ۳۰ نفری آزمایش و کنترل جایگزین شدند. برنامه قصه گویی در این پژوهش بدین صورت انجام شد که گروه آزمایش به مدت ۱۲ جلسه (۳۰ دقیقه ای) به صورت گروهی طی مدت یک ماه و نیم تحت آموزش برنامه قصه گویی قرار گرفت و در طول جلسات آموزشی گروه آزمایش، گروه کنترل هیچ مداخله ای دریافت نکرد. قصه ها از بین کتابهای داستان و داستانهای مورد پذیرش جامعه انتخاب گردید. به منظور جمع آوری داده ها، از پرسش نامه محقق ساخته با مقیاس لیکرت با گزینه های «هرگز، بعضی اوقات و اغلب اوقات» استفاده شد. برای ارزیابی روایی پژوهش، از نظر اساتید و متخصصان علوم تربیتی بهره گرفته شد و برای پایایی آن از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده گردید.

۱-۲- یافته ها

با استفاده از تجزیه و تحلیل داده ها نتایج نشان داد که تاثیرات حاصل از قصه گویی در گروه های آزمایش بسیار واضح است و گروه آزمایش در این مدت به نسبت گروه کنترل، تغییرات محسوس تری را از خود به نمایش گذاشته است. با توجه به کنترل بسیاری از متغیرهای محیطی، بنظر می رسد که قصه گویی می تواند بر متغیرهای تنظیم هیجانی و مهارت های اجتماعی و مولفه های این متغیر در دانش آموزان اثر بگذارد که

1-Woun
2-Tizest
3-Miller

بشرح زیر مورد بحث قرار می گیرد. با توجه به برقرار بودن تمامی مفروضه های تحلیل کوواریانس، در ادامه، نتایج این تحلیل در متغیرهای وابسته در پس آزمون گروه های آزمایش و کنترل با حذف اثر پیش آزمون آورده می شود.

جدول ۱: تحلیل کواریانس یک طرفه مرتبط با اثرات قصه گویی بر نمره کلی مهارت های اجتماعی

منبع	مجموع	درجه	میانگین	میزان	سطح	شدت
تغییرات	مجذورات	آزادی	مجذورات	F	معنی داری	اثر
پیش آزمون	۱۱۸۶/۵۰۰	۱	۱۱۸۶/۵۰۰	۲۸/۷۷۷	۰/۰۰۰	
گروه	۲۶۴/۷۹۳	۱	۲۶۴/۷۹۳	۶/۴۲۲	۰/۰۱۷	۰/۱۹۲
خطا	۱۱۱۳/۲۳۳	۲۷	۴۱/۲۳۱	---	---	
کل	۴۶۵۳۵/۰۰	۳۰	---	---	---	

با توجه به میزان F و سطح معناداری در جدول فوق که کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر رد می شود. یعنی اختلاف معنادار بین میانگین نمرات عامل مهارت های اجتماعی دو گروه در پس آزمون وجود دارد و همچنین با بررسی جدول آمار توصیفی و مقایسه مقدار میانگین نمرات مرتبط با عامل مهارت های اجتماعی دو گروه مشاهده می شود که برنامه قصه گویی، نمرات مهارت های اجتماعی دانش آموزان ابتدایی را تا حدی افزایش داده است. همچنین با تاکید بر میزان اندازه اثر می توان متوجه شد که برنامه قصه گویی تاثیر مطلوبی را بر عامل مهارت های اجتماعی دانش آموزان ابتدایی گذاشته است که این میزان برابر با ۰/۱۹۲ می باشد. برای بررسی پیش فرض همگنی ماتریس کوواریانس مولفه های مهارت های اجتماعی در گروه های مورد پژوهش نیز از آزمون باکس استفاده می شود.

جدول ۲: نتایج آزمون باکس جهت بررسی پیش فرض همگنی ماتریس کوواریانس مولفه های مهارت های اجتماعی

BOX S M	F	Df1	Df2	سطح معناداری
۱۰/۴۲۳	۲/۰۲۲	۶	۵۶۸۰/۳۰۲	۰/۰۵۸

جدول شماره ۲ نشان می دهد که میزان سطح معناداری (p ≥ ۰/۰۵) می باشد که گویای آن است شرط همگنی ماتریس کوواریانس به خوبی برای مولفه های مهارت های اجتماعی رعایت شده است (F = ۰/۸۸۲ و p ≥ ۰/۰۵)، به این معنی که ماتریس های کوواریانس مشاهده شده بین گروه های مختلف با هم برابرند.

جدول ۳: نتایج کوواریانس چندمتغیری روی نمره های پس آزمون مولفه های مهارت های اجتماعی با کنترل پیش آزمون

ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی	سطح معناداری
			خطا	
اثر پیلابی	۲/۵۷۹	۳	۲۳	۰/۰۴۸
لامبدای ویلکز	۲/۵۷۹	۳	۲۳	۰/۰۴۸
اثر هتلینگ	۲/۵۷۹	۳	۲۳	۰/۰۴۸
بزرگترین ریشه	۲/۵۷۹	۳	۲۳	۰/۰۴۸

همانطور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می شود، سطوح معناداری همه مولفه های مهارت اجتماعی نشان دهنده این است که گروه های آزمایش و گواه حداقل در یکی از متغیرهای وابسته به هم تفاوت معنادار دارند.

برای پی بردن به این نکته که از لحاظ کدام متغیر بین دو گروه تفاوت وجود دارد، تحلیل کوواریانس انجام گرفت که نتایج حاصل به صورت زیر مشخص گردید.

جدول ۴: تحلیل کوواریانس پس از آزمون مولفه‌های مهارت‌های اجتماعی با برداشتن اثر پیش‌آزمون

مرحله	منبع	مجموع	درجه	میانگین	F	سطح	اندازه
	تغییرات	مجذورات	آزادی	مجذورات		معناداری	اثر
خودکنترلی	گروه	۲۷/۴۶۸	۱	۲۷/۴۶۸	۵/۱۱۴	۰/۰۳۳	۰/۱۷۰
	خطا	۱۳۴/۲۸۸	۲۵	۵/۳۷۲			
جرات ورزی	گروه	۵۵/۰۸۲	۱	۵۵/۰۸۲	۷/۷۱۰	۰/۰۱۰	۰/۲۳۶
	خطا	۱۷۸/۶۰۱	۲۵	۷/۱۴۴			
همکاری	گروه	۲۳/۶۳۰	۱	۲۳/۶۳۰	۵/۴۰۸	۰/۰۲۸	۰/۱۷۸
	خطا	۱۰۹/۲۳۳	۲۵	۴/۳۶۹			

مطابق با جدول شماره ۴ می‌توان نتیجه گرفت، با توجه به میزان F و سطح معناداری در جدول فوق که کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر رد می‌شود. یعنی اختلاف معنادار بین میانگین نمرات مولفه‌های مهارت‌های اجتماعی دو گروه در پس‌آزمون وجود دارد و همچنین با بررسی جدول آمار توصیفی و مقایسه مقدار میانگین نمرات مرتبط با مولفه‌های مهارت‌های اجتماعی دو گروه مشاهده می‌شود که برنامه قصه‌گویی، مولفه‌های مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را تا حدی افزایش می‌دهد. همچنین با تاکید بر میزان اندازه اثر می‌توان متوجه شد که برنامه قصه‌گویی بر افزایش مولفه خودکنترلی به میزان ۰/۱۷۰، بر جرات ورزی به میزان ۰/۲۳۶ و بر همکاری به میزان ۰/۱۷۸ اثر گذاشته است.

۲- بحث

هدف پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌گویی در دانش‌آموزان ابتدایی بود. نتایج این پژوهش تاثیرگذاری روش قصه‌گویی را در بهبود مهارت اجتماعی کودکان گروه آزمایش نشان داد. یافته‌ها در خصوص تاثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر مهارت اجتماعی کودکان نشان داد، تفاوت معناداری بین میانگین نمرات مهارت اجتماعی دانش‌آموزان در دو گروه آزمایش و کنترل، در مرحله پس از آزمون وجود داشت. به عبارت دیگر، آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌گویی که جهت برقراری ارتباط بهتر و سازگاری بیشتر گروه آزمایش انجام شده است، توانسته تاثیرگذار باشد و قصه‌های مطرح شده توسط پژوهشگر موجب افزایش مهارت‌های اجتماعی و سازگاری آن‌ها شده است. نتایج حاصله در خصوص تاثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رفتارهای دانش‌آموزان، تفاوت معنی‌داری بین میزان رفتارهای غیراجتماعی در دانش‌آموزان بعد از آموزش مهارت‌های اجتماعی در گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهد. آن چنان که مشاهده شد، روش قصه‌گویی تاثیر شگرفی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره ابتدایی دارد. و نتایج بدست آمده در این پژوهش با پژوهش‌های پیشینی که در این زمینه صورت گرفته است، هم‌خوانی دارد.

در پژوهشی که توسط رحمتی (۱۳۹۵)، با موضوع بررسی اثر بخشی قصه درمانی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان ابتدایی شهر تهران منطقه ۷ انجام شده است. و به منظور بررسی میزان اثربخشی قصه درمانی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان ابتدایی صورت گرفته است. گروه آزمایش (۱۰ نفر) و گروه کنترل (۲۰ نفر) بوده است. برای تجزیه و تحلیل از تحلیل کواریانس به کمک نرم افزار SPSS استفاده شده است و از پرسشنامه سازگاری اجتماعی لامبرت و همکاران (۱۹۷۴)، کمک گرفته شده است. میانگین نمرات سازگاری اجتماعی در گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل به صورت معنی داری کاهش یافت ($P < 0/01$). بنا براین قصه درمانی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری ویژه موثر بوده است.

همتی (۱۳۹۱)، در تحقیقی که تحت عنوان «بهبودبخشی مهارتهای اجتماعی دانش آموزان با ناتوانیهای یادگیری غیر کلامی» انجام داده است، نتایج آن بدین شرح است، که استفاده از الگوسازی، یادگیری مشارکتی و آموزش مستقیم می تواند به دانش آموزان در تشخیص و درک ناتوانی های اجتماعی شان، رشد راهبرهای موثر حل مسأله و کسب رفتارهای خودتنظیمی کمک کند. در واقع همه دانش آموزان میتوانند از این آموزش سود ببرند. به طور کلی، دانش آموزان با برخورداری از آموزش های مذکور اعتماد به نفس و قابلیت بیشتری پیدا می کنند و در مواجهه با چالش های اجتماعی و تحصیلی تواناتر می شوند و بهتر می توانند بر موانع غلبه کنند.

رضان زاده (۱۳۹۰)، در پژوهش خود که با عنوان «بررسی تاثیر استفاده از داستان گویی بر یادگیری مهارت اجتماعی دانش آموزان پایه دوم و سوم» انجام داد، نشان داد که روش تدریس با استفاده از قصه گویی منجر به افزایش مهارت اجتماعی در پایه دوم و سوم می شود.

در تحقیقی که توسط اژدری و مصطفایی (۱۳۸۸)، پیرامون موضوع اثربخشی قصه درمانی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان دختر شهرستان شاهین دژ صورت گرفته است. روش پژوهش نیمه آزمایشی با پیش آزمون و پس آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری کلیه دختران شهرستان شاهین دژ بود که تعداد ۴۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شده بودند. نتایج نشان داد که قصه درمانی در سازگاری اجتماعی نقش دارد و داده ها در سطح ۰/۱ معنا دار است.

ذکریابی و همکاران (۱۳۸۷)، در پژوهشی که تحت عنوان بررسی اجرای برنامه درسی با بهره گیری از قصه گویی و نمایش خلاق بر خلاقیت و یادگیری دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی منطقه ۵ تهران انجام دادند. یافته ها نشان داد قصه گویی و نمایش خلاق باعث افزایش خلاقیت و یادگیری دانش آموزان می شود.

در پژوهشی که توسط درودفر (۱۳۸۵)، تحت عنوان تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر بهبود پذیری مهارت های اجتماعی دانش آموزان پایه چهارم و پنجم دبستان شهر تهران انجام گرفت. پژوهشگر از کل جامعه ۳۶ نفری دبستان شهید صیاد شیرازی تهران، تعداد ۳۰ نفر از آن ها را بر اساس آزمون مهارت های اجتماعی کودکان (تهیه شده توسط احمدی و نورانی)، که دارای نمره کمتر از حد نصاب ۱۰۰ بودند به صورت تصادفی به دو گروه ۱۵ نفری (آزمایش و کنترل) تقسیم نموده است. و گروه آزمایش به مدت ۱۴ جلسه با استفاده از داستان، تحت آموزش مهارت های زندگی قرار گرفتند. نتایج حاکی از آن بود که آموزش مهارت های زندگی با استفاده از داستان تاثیر معناداری بر میزان بهبود پذیری مهارت های اجتماعی گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل دارد.

هم چنین در پژوهش هایی که توسط ابارشی و تیموری (۱۳۸۵) و ارجمندی (۱۳۸۲)، پیرامون موضوع تاثیر قصه درمانی همراه با ایفای نقش بر یادگیری مهارت های اجتماعی کودکان انجام دادند که از نوع شبه تجربی با طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود و گروه نمونه متشکل از ۳۰ کودک بود. گروه آزمایش در طول

۲/۵ ماه طی ۲۵ جلسه تحت آموزش مهارت های اجتماعی با شیوه قصه گوئی همراه با ایفای نقش قرار گرفتند. نتیجه نشان داد که قصه گوئی همراه با ایفای نقش باعث بهبود رشد اجتماعی شده است.

هم چنین نتایج پژوهش حاضر، با نتایج پژوهش هایی که خارج از ایران انجام گرفته است هم خوانی دارد. جیمز ویدرز (۲۰۱۱)، مطالعه ای را با عنوان نحوه استفاده از داستان های اجتماعی بر آموزش رفتارهای اجتماعی انجام داد که نتایج نشان داد، استفاده از داستان های اجتماعی، آموزش رفتار اجتماعی را تسهیل می کند و کودکان بهتر می توانند با دیگران ارتباط برقرار نمایند.

در مطالعاتی که توسط کروزی و تیتکانی (۱۹۹۲)، صورت گرفته است و به بررسی اثرات داستان های اجتماعی در رفتار مغل دانش آموزان پرداخته است. یافته ها کاهش رفتار مغل دانش آموزان را در مداخلات اجتماعی نشان می دهد.

چادسیروش و همکاران (۱۹۹۲) و کالمنتیس و سیگل (۱۹۹۲)، نیز پژوهشی در بررسی اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی بر موفقیت شغلی افراد شاغل انجام دادند. نتایج این پژوهش بر موفقیت شغلی این افراد پس از یادگیری مهارت های اجتماعی صحنه گذاشت.

با توجه به نتایج بدست آمده، فرض اساسی در تربیت و آموزش مهارت های اجتماعی کودکان، این است که فقر مهارت های اجتماعی موجب منزوی شدن و طرد شدن فرد از دیگران می شود. به همین جهت آموزش مهارت های اجتماعی در مدارس ابتدایی باعث پذیرش اجتماعی فرد در مراحل بالاتر خواهد شد. زیرا مهارت های اجتماعی ضعیف و مشکلات ارتباطی با همسالان، خانواده و معلمان با بسیاری از شکل های سایکوپاتولوژی شامل افسردگی، اختلالات رفتار مهارتیافته، هراس اجتماعی، نشانگان اتیسم و شروع زود هنگام اسکیزوفرنی مرتبط می باشد. بهمین دلیل توانایی برقراری ارتباط مناسب با دیگران، یکی از مهم ترین عوامل موفقیت افراد در زندگی شخصی و شغلی آنهاست. هم چنین نقص در مهارت های اجتماعی، تشخیص و تنظیم هیجانات، کودکان را با مشکلات متعدد مواجه می سازد و باعث عدم سازگاری آنان در روابط بین فردی، مشکلات و اختلالات رفتاری می شود و به رشد شخصیت کودک آسیب می رساند و در سازگاری وی با محیط تاثیر منفی می گذارد. این کاستی در مهارت های اجتماعی بیانگر پیشایندهای بالقوه برای اختلال های روانشناختی و مشکلات رفتاری است و مانع از رشد توانمندی های بالقوه این دانش آموزان در زمینه های آموزشی و شغلی می گردد. از سوی دیگر با توجه به اینکه در برخورد بالینی با این دانش آموزان در مدارس ابتدایی شاهد این موضوع هستیم که نبود یا کمبود مهارت های اجتماعی در کودکان نه تنها موجب پایین آمدن توانمندی بالقوه آن ها در همه ی زمینه ها می گردد، بلکه باعث بروز مشکلات رفتاری و خستگی و کلافگی معلمان نیز می شود. بهمین جهت لزوم افزایش مهارت های اجتماعی در دانش آموزان، به ویژه دانش آموزان دوره ابتدایی با استفاده از روش ها و شیوه های نوین آموزش از جمله روش بازی درمانی، نقاشی، قصه گوئی احساس می شود. زیرا آموزش و پرورش دانش آموزان ابتدایی، در زمینه سازگاری محیطی و اجتماعی مقدم بر آموزش خواندن و نوشتن است. یافته های پژوهشی نشان می دهد که پرورش اجتماعی، جسمی و روحی انسان به شدت تحت تاثیر عوامل موجود در اولین سال های زندگی وی قرار دارد و به طور عمده می تواند بوسیله آنها تغییر یابد. کودک با کمبود دوران خردسالی قادر نخواهد شد در سطوح بالاتر و پیشرفته از شرایط و فرصت های تربیتی بهره مند گردد و رشد حاصل کند. در طول سال های مدرسه از ۱۰ تا ۱۵ درصد همه ی کودکان به وسیله همسالان خود طرد می شوند، که این خود باعث به وجود آمدن مشکلاتی مانند، فرار از مدرسه، عدم پیشرفت تحصیلی، پرخاشگری، جرم و جنایت می شود.

نتایج تحقیقات صورت گرفته، نشان داد بسیاری از محققان اتفاق نظر دارند که مهارت های اجتماعی آموختنی هستند. زیرا کودکانی که در محیط های نامناسب بزرگ شده اند از لحاظ اجتماعی رفتارهایی نامعقول دارند و قادر به تکلم موثر و مفید نمی باشند. زیرا نارسایی های دوران کودکی در زمینه ی روابط اجتماعی به دوران بزرگسالی هم منتقل می شوند و بزرگسالان را به عنصری بی کفایت از نظر اجتماعی تبدیل می کنند. آگاهی از نیاز به آموزش مهارت های اجتماعی غالباً از طریق بررسی ارتباط بین فردی، اجتماعی و پیشرفت تحصیلی عاید می شود. از آنجا که زندگی آدمی در نیم قرن اخیر همراه با تحولات و تغییرات رشد سریع جمعیت، تغییرات وسیع اجتماعی و صنعتی همراه بوده است. به نظر میرسد که شمار بزرگی از کودکان و نوجوانان دچار مشکلات سازگاری اجتماعی، رفتاری و عاطفی هستند. بدین جهت ضرورت آموزش و یادگیری مهارت های اجتماعی بیشتر از قبل آشکار می شود. اجتماعی کردن صحیح کودکان به عنوان یکی از اهداف آموزش و پرورش چنین ضرورتی را بیشتر آشکار می کند.

۳- نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، سعی گردید تا اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی از طریق قصه گویی مورد مطالعه قرار گیرد و با پژوهش های انجام گرفته در این زمینه مقایسه گردد. نتایج این پژوهش، تاثیرگذاری روش قصه گویی را در بهبود مهارت اجتماعی دانش آموزان گروه آزمایش نشان داد. یافته ها در خصوص تاثیر روش قصه گویی بر مهارت های اجتماعی دانش آموزان نشان داد، که تفاوت معناداری بین میانگین نمرات مهارت اجتماعی دانش آموزان در دو گروه آزمایش و کنترل، در مرحله پس آزمون وجود دارد. به عبارت دیگر، آموزش مهارت های اجتماعی از طریق قصه گویی که جهت برقراری ارتباط بهتر و سازگاری بیشتر گروه آزمایش انجام شده است، توانسته، تاثیرگذار باشد و قصه های مطرح شده توسط پژوهشگر موجب افزایش مهارت های اجتماعی و سازگاری آن ها گردیده است. نتایج حاصله در خصوص تاثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر رفتارهای دانش آموزان، تفاوت معنی داری را بین میزان رفتارهای غیراجتماعی در دانش آموزان بعد از آموزش مهارت های اجتماعی در گروه آزمایش و کنترل نشان می دهد. باتوجه به داده های آورده شده در فصل قبل، و مقایسه ی گروه کنترل با گروه آزمایش و همچنین بررسی نمرات پیش آزمون و پس آزمون، می توان این نتیجه را اتخاذ کرد که استفاده از برنامه قصه گویی بر مهارت های اجتماعی دانش آموزان دوره ابتدایی تاثیر معناداری داشته است. آن چنان که مشاهده شد، نتایج بدست آمده در این پژوهش با مطالعات انجام گرفته پیشین، سیدی (۱۳۸۲)، یوسفی لویه و متین (۱۳۸۵)، چهارمحالی (۱۳۸۵)، تویسرکانی (۱۳۸۷)، و هم چنین ذکریایی و همکاران (۱۳۸۷)، نصیرزاده (۱۳۸۸)، نیک منش و کاظمی (۱۳۸۸)، رمضان زاده (۱۳۹۰)، و نیز پژوهش های دل واله^۱ (۲۰۰۱)، کروزی و تینکانی^۲ (۲۰۰۵)، اسکاتون^۳ (۲۰۰۶)، روست و اسمیت^۴ (۲۰۰۶)، دلانو واسنل^۵ (۲۰۰۶)، جان دلیومنگ^۶ (۲۰۰۹)، جیمز ویدرز (۲۰۱۱)، همسو می باشد. اگرچه بین روش ها در مطالعات عنوان شده و شیوه های کاربرد قصه تفاوت وجود دارد، اما یافته ها به طور کلی بیانگر آن است که قصه گویی روش بسیار نیرومندی در روابط انسانی، آموزش و پرورش، خانواده، هنر و به طور کلی زندگی است.

- 1- Del waleh
- 2- Korowizer & Tinkani
- 3- Skatton
- 4- Rost & Smit
- 5- Delato & Wasnel
- 1- Wablumang

هم چنین به نظر می رسد قصه گویی بکار گرفته شده در این پژوهش، الگویی از مهارت های اجتماعی، تنظیم هیجانی و شیوه مناسب برخورد در موقعیت های مختلف را تا اندازه ای به دانش آموزان ارائه داده است. این روش می تواند رفتارهای جدیدی را به کودکان آموزش دهد و رفتارهای هدفی را که در خزانه رفتاری آن ها وجود دارد را بهبود و سازمان بخشد، و با انجام موفقیت آمیز یک مهارت توسط قهرمان قصه، اضطراب آن ها را کاهش دهد و رفتارهای مثبت آن ها را بطور غیرمستقیم تقویت نماید.

در فرایند قصه گویی، رویدادهای روزمره زندگی در قالب قصه های با معنی طرح می شود که به کودکان کمک می کند درک بهتری از خودشان و دیگران بدست آورند. زیرا قصه ها ترکیب قدرتمندی برای سازماندهی و انتقال اطلاعات و معنادهی به زندگی دارند. در واقع در جریان قصه ممکن است شخصیت های آن با بحرانی مواجه شوند و درصدد حل آن برآیند. ارائه این روش ها بطور مستقیم به افراد، بویژه کودکان دوره ابتدایی کار آسانی نیست. ولی می توان از طریق قصه گویی به این هدف نائل آمد. این موضوع نه تنها در مورد کودکان بهنجار، بلکه برای کودکان نابهنجار، کم توان ذهنی، دارای مشکل عاطفی و... نیز کارایی دارد و از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد.

کوتاه سخن این که، آموزش مهارت های اجتماعی با استفاده از قصه گویی نقش چشم گیری در پیشرفت و رشد اجتماعی دانش آموزان دوره ابتدایی دارد و آن ها می توانند به صورت عینی و ملموس با مسائل و واقعیت های زندگی برخورد داشته باشند و برای حل آن ها راهکار ارائه دهند.

به طور کلی با توجه به محدودیت های پژوهش که کوتاه بودن مدت برنامه قصه گویی و تعطیلی مدارس به دلیل آلودگی و برودت هوا و تعمیم پذیری پژوهش به جهت کوچک بودن نمونه و انجام شدن پژوهش بر روی دانش آموزان پسر که باید با احتیاط انجام شود. پیشنهاد می شود، با توجه به نتایج پژوهش حاضر، و تاثیرات روش قصه گویی بر رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان پژوهش هایی بر روی دانش آموزان دوره متوسطه و دانش آموزان دختر، مولفه های دیگر، شهرهای دیگر، اقوام ایرانی با لهجه های دیگر انجام گیرد. هم چنین به معلمان گرامی توصیه می گردد برای آموزش و تدریس برخی از موضوعات درسی از این روش بیشتر استفاده نمایند و حتی المقدور از دانش آموزان برای ایفای نقش بهره گیرند.

منابع

- احمدی، اکبر (۱۳۸۵). *مهارت های زندگی*؛ تهران، نشر حمایت.
- افروز، غلامعلی (۱۳۷۱). *مقدمه ای بر روانشناسی آموزش و پرورش کودکان کم توان هوشی*؛ تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- بیان زاده، سید اکبر، ارجمندی، زهرا (۱۳۸۲). « تأثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر رفتار سازگارانۀ کودکان عقب مانده ذهنی خفیف»، اندیشه و رفتار. سال نهم، شماره ۱، ص ۲۷-۳۴.
- پاشا شریفی، حسن (۱۳۸۴)، نظریه و کاربرد آزمون های هوش و شخصیت؛ تهران: انتشارات رشد.
- حسین خانزاده، عباس علی (۱۳۹۰). طراحی و اعتباربخشی الگوی مناسب برنامه درسی مهارتهای اجتماعی برای دانش آموزان عقب مانده ذهنی، علوم روانشناختی، شماره دهم، ص ۳۷.
- رابینسون نانسی، ام، رابینسون، هالبرت. بی (۱۳۷۷). *کودک آهسته گام*، ترجمه فرهاد ماهر؛ تهران: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۸۱). *قصه گویی، اهمیت و راه و رسم آن*؛ تهران: انتشارات رشد.
- گنجی، مهدی (۱۳۹۲). *آسیب شناسی روانی براساس DSM5*؛ جلد اول، تهران: انتشارات ساوالان.
- لی، هی، رابرت (۲۰۱۰). *ترجمه عبدالرضا منصوری راد، تکنیک های تنظیم هیجان در روان درمانی*؛ تهران: انتشارات ارجمند.
- میلانی فر، بهروز (۱۳۹۱). *روانشناسی کودکان و نوجوانان استثنایی*؛ تهران: انتشارات قومس.
- همتی، اسماعیل (۱۳۸۹). *تمرین خلاقیت*؛ تهران: انتشارات قطره.

Call

ahan K, Henson R. (2008). Social validation of evidence-based practices in autism by parents, and administrators. *Journal of Autism Dev Disorder*, 38, 678-692, teachers

